

علم أصول الفقه

١٩-١-٩٣ حجية الظن في نفسه ٧١

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مهاجرت به سوی خدا

• وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء، ۱۰۰)

• کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

مهاجرت به سوی خدا

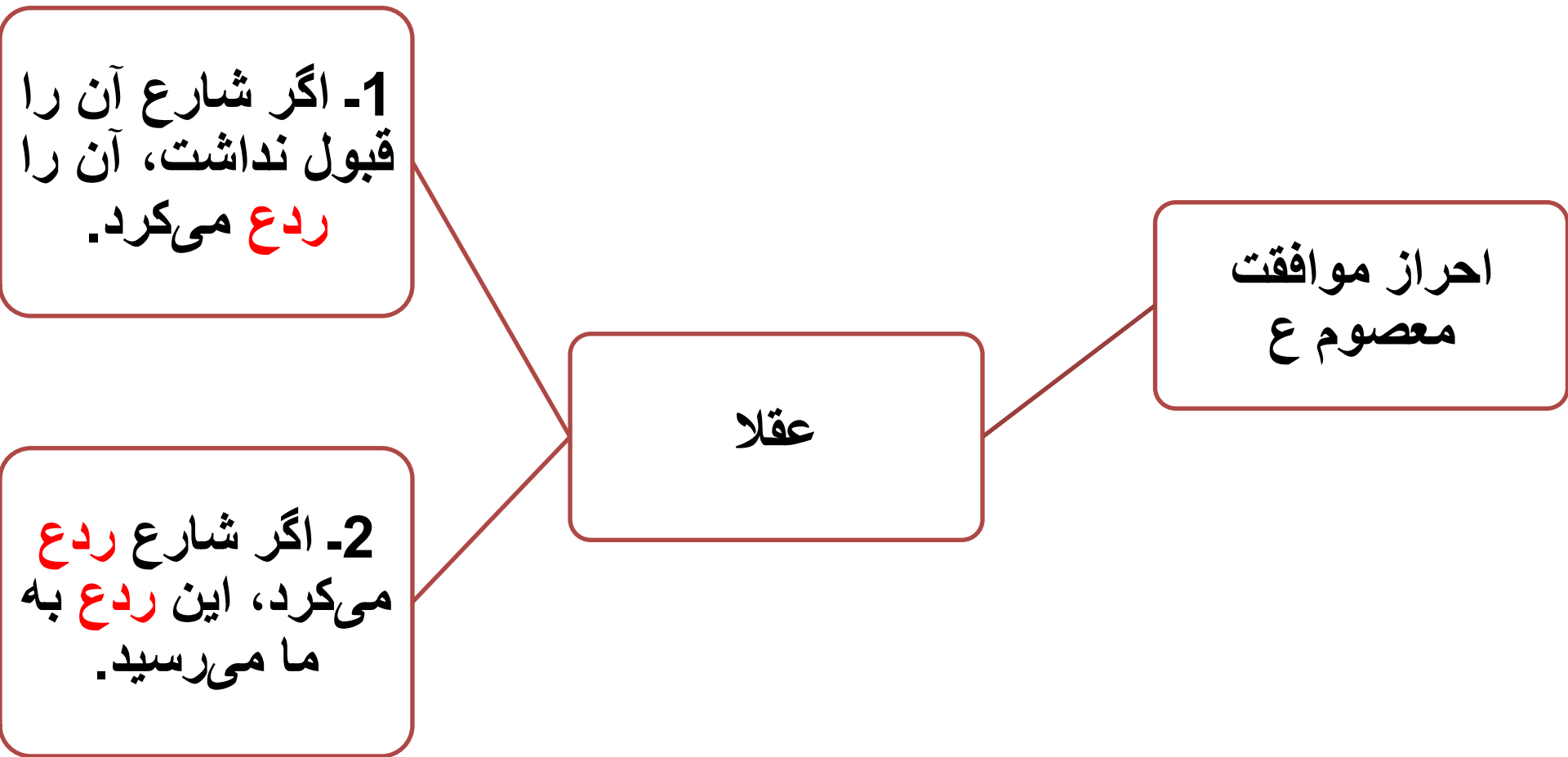
- این مهاجرت همان است که در مورد لوط فرمود:
- فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ **إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي** إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
(عنکبوت، ۲۶)
- و لوط به او [= ابراهیم] ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او صاحب قدرت و حکیم است»!

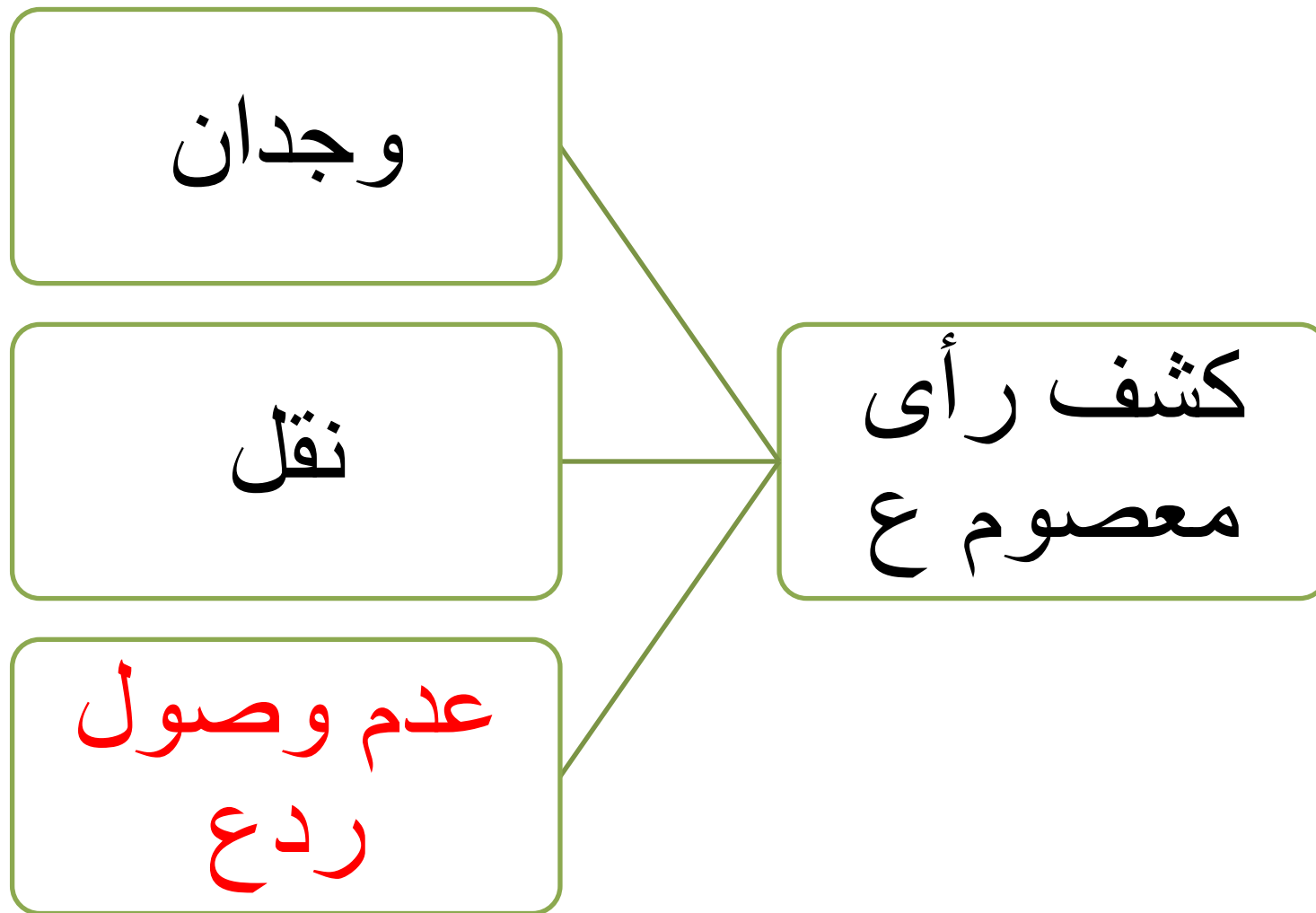
مهاجرت به سوى خدا

- وَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (١٦)
- إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ تَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (١٧)
- وَ إِن تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (١٨)
- أَوْ لَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَالِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (١٩)

مهاجرت به سوى خدا

- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢٠)
- يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقَلَّبُونَ (٢١)
- وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٢٢)
- وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَاءِهِ أَوْلَئِكَ يَسُؤُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٢٣)
- فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (٢٤)
- وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ مَاوْتَكُمْ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ (٢٥)
- * فَاَمَّنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢٦)





راه کشف امضای معصوم

- وقتی یک سیره و ارتکاز **عقلایی** ردع می‌شود، این ردع به دلیل اینکه با ذوق عقلا ناسازگار است، بلافاصله در سطح جامعه عکس العمل ایجاد می‌کند.
- به اصطلاح روانشناسی اجتماعی وقتی یک چیزی با **نورم** جامعه، ارزش‌های تثبیت شده و رفتارهای تثبیت شده ناسازگار است، بلافاصله نسبت به خودش عکس العمل وسیع اجتماعی ایجاد می‌کند.

راه کشف امضای معصوم

- همه به هم می گویند چنین اتفاقی افتاده و حضرت مثلاً فلان طور فرمودند. برای یک عده ای این سؤال پیدا می شود که آیا راست است؛ واقعاً چنین چیزی را گفتند یا چنین رفتاری را داشتند.
- وقتی چنین چیزی رخ می دهد، به طور طبیعی این نقل می شود و این نقل گسترش پیدا می کند و به نسل های بعد منتقل می شود تا به زمان ما می رسد.

راه کشف امضای معصوم

- به تعبیر فنی احتمال اینکه شارع یک سیره یا ارتکاز عقلایی را ردع کرده باشد و هیچ نشانی از آن ردع به ما نرسد، به لحاظ حساب احتمالات وجود ندارد؛ هر چند عقلاً محال نیست.

راه كشف امضای معصوم

- فرض ما در این استدلال آن است که سیره یا ارتکاز عقلایی باشد و اگر سیره یا ارتکاز یک گروه خاص باشد، شاید چنین نتیجه‌ای نتوانیم بگیریم.

راه کشف امضای معصوم

- مطلق وصول معیار وصول ردع
- همچنین آیا معنای ردع این است که این ردع به سند معتبر و در کتاب‌های معتبر به ما برسد یا مقصود مطلق وصول است؛ هرچند از یک طریق غیر معتبر یا در یک کتاب غیر معتبر باشد؟

راه کشف امضای معصوم

- در پاسخ می‌گوییم **معیار مطلق و صول** است. بنابراین حتی اگر در کتاب غیر معتبری نقل شود که مثلاً امام صادق - علیه السلام - فلان **سیره** یا ارتکاز عقلایی را ردع کردند، دیگر این استدلال ما مخدوش خواهد بود و نمی‌توانیم بگوییم ردعی به ما نرسیده‌است. پس ردع نشده‌است. پس امضا شده‌است.

راه كشف امضای معصوم

- نتیجه بخش بودن ردع
- اگر به ردع معصوم - علیه السلام - توجهی نشود، اصلاً ردع حاصل نمی‌شود؛ یعنی اینکه حضرت چیزی می‌فرمایند و مردم اعتنا نمی‌کنند به گونه‌ی که اگر دوباره چنین چیزی زمینه تحقق پیدا کند، مردم بدان گرایش پیدا می‌کنند و به همان **رویه** عمل می‌کنند، ردعی محقق نشده‌است.

راه كشف امضای معصوم

- در حقیقت در این موارد هنوز حضرت به مسئولیت خودش عمل نکرده است.
- حضرت باید آن قدر بیان کنند که اگر دوباره زمینه آن کار پیدا شد، مردم آن کار را نکنند.
- اگر ردع با این خصوصیت انجام شود، حتماً به نسل‌های بعد منتقل می‌شود.

راه کشف امضای معصوم

- به عبارت دیگر اگر صرف بیان حضرت برای انجام مسئولیت کافی بود، همین که حضرت در گوش یک نفر بگویند ما با این چیز مخالفیم، به مسئولیت خودش عمل کرده بود در حالی که ردع این است که وقتی مردم زمان حضرت روشی دارند یا دیدگاهی دارند که حضرت با آن مخالفاند، جلوی او را بگیرند.
- ردع یعنی برگرداندن؛ البته نه اینکه همه را به جبر برگردانند، بلکه مخالفت طوری باشد که در حد ممکن است به دیگران برسد تا جلوی این جریان گرفته شود.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ
- این نکته ثبوتی در بحث سیره و ارتکاز بسیار مهم است که سیره‌ها و ارتکازات عقلایی به لحاظ کمیت و کیفیت با هم متفاوت‌اند؛ یعنی میزان رسوخ یک سیره در جامعه یا یک ارتکاز در اذهان مردم و نیز مقدار شیوع سیره‌ها فرق می‌کند. اگر معصوم - علیه السلام - می‌خواهد با یک سیره یا ارتکاز مخالفت کند، میزان مخالفتش به لحاظ کمیت و کیفیت تابع میزان آن سیره و ارتکاز است.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- گاه زمينه تحقق يك سیره كم و گاهي و زياد است؛ مثلاً ميزان گسترش سیره در حجيت ظهور با مسأله حيازت به يك اندازه نيست.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- ظهور چیزی است که انسان دائم با آن سر و کار دارد. مردم از صبح تا شب با هم حرف می‌زنند و در تمام سخن گفتن‌ها به ظواهر کلمات یکدیگر اخذ می‌کنند.
- بنابراین ظهور چیزی نیست که انسانی در زندگیش **با آن برخورد نداشته باشد.**
- اما ممکن است یک نفر اصلاً در عمرش حیازتی نکرده باشد یا اگر هم حیازتی کرده‌است، چنین نیست که هر روز نیاز به حیازت داشته باشد.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- بنابراین اگر شارع حجیت ظهور را در حوزه امور دینی قبول ندارد، ممکن نیست با یک بار گفتن این سیره یا ارتکاز را ردع کند؛ زیرا چیزی که در عمق جان مردم نفوذ کرده‌است و در ذهن آن‌ها راسخ است و به آسانی نمی‌توان آن را از ذهن‌ها پاک کرد.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- انسان که به صورت عادی به پیش فرض‌ها و زمینه‌های ذهنی و عملی خود توجهی ندارند. اگر مثلاً به عوام بگویند ظواهر حجت است یا نه؟ از شنیدن این واژه متحیر می‌شود؛ چون با توجه به اینکه زندگی‌اش ناخودآگاه بر اساس ظواهر سامان یافته‌است، اصلاً احتمال مشروع نبودن ظواهر را هم ندهد. بنابراین شارع باید مخالفتش را مکرر به لحن شدید و با تعابیر مختلف بیان کند تا بتواند این جریان را تغییر دهد.